گزارش

# روایت یکی از هم‌بندان جواد روحی از جان باختن او در زندان

۱۷ شهریور ۱۴۰۲

سولماز ایکدر

خواندن در ۱۲ دقیقه

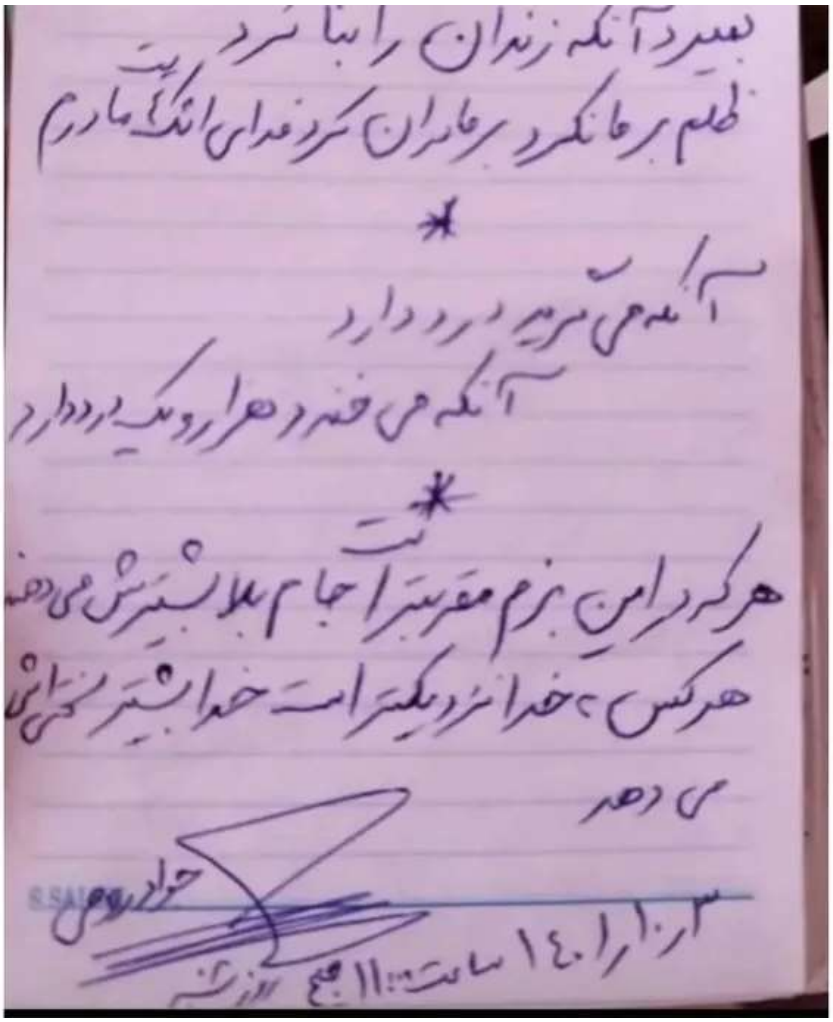


«بمیرد آن‌که زندان را بنا کرد؛ ظلم بر ما نکرد، بر مادران کرد. فدای اشک‌هایت مادرم...» دست‌نوشته «جواد روحی»، زندان نوشهر، سوم دی ۱۴۰۱

**این سخنان یکی از هم‌بندی‌های «جواد روحی»، معترض زندانی است که خبر جان باختن او روز ۹ شهریور ۱۴۰۲ در زندان منتشر شد.**

**این گزارش هم روایت این هم‌بندی جواد است از او در روزهای زندان.**

***

آخرین تصویری که از «جواد روحی»، جوان ۳۵ ساله اهل یکی از روستاهای شهر آمل منتشر شده، ویدیوی رقص او در آخرین روز شهریور ۱۴۰۱ در خیابان است.

جواد از بازداشت شدگان اولین روزهای اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» بود. او که برای دیدار با همسر سابقش به نوشهر رفته بود، روز ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ با جمعیت معترضی که به سمت میدان «آزادی» این شهر می‌رفتند و در حال شعار دادن، رقصیدن و شادی بودند، همراه می‌شود.

اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همان شب او را بازداشت می‌کند و تنها در طی چهار روز چنان شکنجه‌اش می‌دهد که به گزارش «کمیته پی‌گیری وضعیت بازداشت شدگان»، زمان انتقال به بازداشتگاه «شهید کاظمی» ساری از شدت شکنجه و ترس، اختیار ادرارش را از دست داده بود و قدرت تکلم هم نداشت.

انتقال او به این بازداشتگاه که متعلق به اطلاعات سپاه واقع در زندان «تیرکلای» نوشهر است، پایان دوران شکنجه جواد روحی نبود. او که به اتهام «لیدری معترضان« بازداشت شده بود، بارها و بارها برای پذیرش اتهام «سوزاندن قرآن» مورد شکنجه قرار گرفت اما حاضر به اعتراف نشد.

با این همه، خبرگزاری «میزان» ۲۰ دی ۱۴۰۱ خبر صدور حکم سه بار اعدام برای جواد روحی با تیتر «لیدرهای اصلی اغتشاشات نوشهر به اعدام محکوم شدند» را **منتشر** کرد.

بر اساس این خبر بر مبنای دادنامه صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی ساری، او متهم شده بود به «افساد فی‌الارض از طریق ارتکاب جرم علیه امنیت داخلی کشور»، «احتراق و تخریب اموال به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی و ورود خسارت عمده به اموال عمومی شده است»، «تخریب»، «ایجاد حریق و خراب‌کاری در اموال و تاسیسات مورد استفاده عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه»، «تحریک برخی از شهروندان به ایجاد ناامنی و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی کشور» و «ارتداد از طریق هتک حرمت به قرآن از طریق آتش زدن قرآن کریم و توهین به مقدسات».

همبندی‌هایش گفته بود: «چنان قوی و مستدل از خودم دفاع کردم که غیر ممکن است حتی قاضی صلواتی بتواند حکم سنگین بدهد.»

خبرگزاری رسمی قوه قضاییه، «میزان» در خصوص مصادیق صدور حکم اما چنین نوشت: «دادگاه بر اساس امارات و قرائن موجود در پرونده، اعترافات صریح متهم و گزارش ضابطین حاکی از آن که این متهم در سامان‌دهی اغتشاشات حضور داشته و به عنوان لیدر در جمعیت اغتشاش‌گران ایفای نقش می‌کرده، حکم صادر کرده است.»

حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب ساری چنان بدون پایه و اساس بود که پس از ورود وکلای تعیینی جواد روحی به پرونده او در مرحله فرجام‌خواهی، توسط شعبه ۹ دیوان عالی کشور در دوم خرداد ۱۴۰۲ **نقض** شد. جواد اما آزاد نشد.

پرونده جواد روحی پس از نقض حکم صادره توسط دیوان عالی، برای رسیدگی مجدد به دادگاه انقلاب تنکابن، به‌عنوان شعبهٔ هم‌عرض ارجاع داده شد؛ دادگاهی که خود را برای رسیدگی به این پرونده، «صالح» ندانست.

پس از آن، پرونده را به شعبهٔ یک دادگاه انقلاب شهرستان آمل ارجاع دادند که آن دادگاه نیز با نظر به صلاحیت نداشتن خود برای رسیدگی به پرونده، مجدداً پرونده را به شعبه اول دادگاه انقلاب ساری ارسال کرد.

در نهایت به **گفته** «مجید کاوه»، وکیل تعیینی جواد روحی، پرونده او برای تعیین دادگاه صالح به شعبهٔ هشت دادگاه تجدیدنظر استان مازندران ارجاع شد اما تا زمان مرگ او هم‌چنان بلاتکلیف ماند.

## شرح ۲۴۱ روز شکنجه

همبندی سابق جواد روحی روزی که خبر نقض حکم او آمد را خوب به خاطر دارد؛ روزی که جواد خندید، از شادی رقصید و وعده داد به همه بند شیرینی بدهد. در طی ۱۰۷ روز بعد از آن اما پرونده‌اش مجددا مورد بررسی قرار نگرفت: «خانواده یا وکیلش خبر می‌دادند که پرونده را به فلان شعبه فلان دادگاه فرستاده‌اند؛ هم‌زمان هم می‌ترسید و هم امیدوار می‌شد... چند روز بعد می‌گفتند شعبه از خودش سلب صلاحیت کرده است؛ می‌ترسید و ناامید می‌شد. این چرخه ادامه پیدا کرد تا زمانی که دیگر نه جسمش و نه روحش تحمل نکرد.»

ی سابق او به «ایران‌وایر» گفت: «جواد را انتظار کشت؛ انتظار و اضطراب. برای روزهای متوالی ن تلفن‌های بند می‌نشست در انتظار. امیدش که ناامید می‌شد، می‌خوابید. گاهی یک هفته از تخت

به گفته او اما شکنجه اصلی زمانی بود که بازجویش به دیدار او می‌آمد و تهدیدش می‌کرد: «زنده از این زندان بیرون نمی‌روی!»

این همبندی سابق افزود: «چند بار از اطلاعات سپاه آمدند و به او گفتند برای کشتن هتاک به قرآن احتیاجی به حکم و اجازه قاضی ندارند.»

هربار بعد از این تهدید، جواد برای چندین روز سکوت پیشه می‌کرد. او یک بار به همبندیانش گفته بود: «طبق قانون اگر مرا بکشند و بگویند که فکر می‌کردند مهدور و الدم هستم، هیچ مجازاتی نمی‌شوند.»

جواد روحی در دوران بازداشت نیز مورد شکنجه‌های سختی قرار گرفته بود. همبندی سابق او در این رابطه به «ایران‌وایر» گفت: «زمانی که به زندان آمد، حالش خیلی بد بود. گاهی روزها و روزها، شاید هفته‌ها سکوت می‌کرد. بعد به حمام می‌رفت و ساعت‌ها خودش را می‌شست.»

او ادامه داد: «کمتر در مورد شکنجه‌هایی که شده بود، حرف می‌زد ولی می‌دانستیم که کنترل ادرار برایش سخت است. سعی می‌کردیم هیچ وقت در صف برای استفاده از سرویس بهداشتی معطل نشود.»

«سازمان دیده‌بان حقوق بشر» در رابطه با شکنجه‌هایی که جواد روحی در دوران بازداشت تحمل کرده بود، طی **بیانیه‌ای** نوشت: «حبس در سردخانه، فریز کردن بیضه‌ها، شوک برقی، ضرب و شتم، شلاق و تهدید با اسلحه از شکنجه‌هایی بودند که او در انفرادی تحمل کرده بود.»

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: «ماموران حکومتی او را به شدت با باتوم کتک زدند و بدن او را، از جمله کف پاهایش شلاق زدند، در حالی که به یک تیر بسته شده بود.»

«احسان پیربرناش»، روزنامه‌نگاری که هم‌زمان با جواد روحی در بازداشت بود نیز در این باره **نوشت**: «صدای فریادهای جواد از سلول پشتی تو سرم می‌پیچه. یادم نمی‌ره که از هیچ تحقیری براش دریغ نکردید.»

پیش‌تر کمیته پی‌گیری وضعیت بازداشت شدگان گزارش داده بود که در دوران بازداشت و بر اثر شکنجه، جواد روحی برای مدتی کنترل ادرارش را از دست داده و این موضوع باعث آزار هم‌سلولی‌هایش شده بود.

این همبندی سابق جواد روحی به سوال «ایران‌وایر» در رابطه با احتمال سوء مصرف داروهای اعصاب توسط او پاسخ داد: «جواد اضطراب داشت و گاهی داروی آرام‌بخش می‌گرفت ولی نه به حدی که بتواند خودکشی کند یا حتی ناخواسته به خود صدمه بزند.»

بتوانیم با پزشک بهداری زندان ملاقات کنیم. جواد هم چندین بار با حال بد تقاضای ملاقات با پزشک کرد اما بعد از چندین ساعت، زمانی که دیگر آرام شده بود، به بهداری رفت.»

به گفته این هم‌بندی سابق جواد روحی اما داروهای آرام‌بخش و اعصاب در اختیار برخی از زندانیان قرار می‌گرفت: «زندان‌بانان مراقب بودند که حتما دارو در همان لحظه مصرف شود و احتمال جمع کردن آن‌ها وجود نداشت.»

او در رابطه با **ادعای** مطرح شده از سوی قوه قضاییه مبنی بر سابقه اعتیاد جواد روحی نیز به «ایران‌وایر» گفت: «من ندیدم که حتی یک بار متادون استفاده کند. به خاطر نمی‌آورم که حتی به موضوع اعتیاد اشاره کرده باشد. گفته بود که پیش از زندان نیز مدتی تحت نظر روان‌پزشک بوده است اما در رابطه با اعتیاد چیزی به ما نگفت. علایم اعتیاد یا حتی تلاش برای ترک اعتیاد را هم نداشت.»

این هم‌بندی سابق جواد روحی به «ایران‌وایر» گفت: «جواد را با شکنجه کشتند. هفته‌ها او را در اطلاعات سپاه شکنجه جسمی و فیزیکی دادند، سپس با صدور حکم اعدام شکنجه دادند و در آخر با ترس از سربه نیست شدن شبانه و در تعلیق نگه داشتنش.»

## روایت شب آخر

براساس **گزارشی** که خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه منتشر کرد، جواد روحی روز چهارشنبه هشت شهریور ساعت ۱۷ و۳۰ دقیقه به بهداری زندان مراجعه کرده و داروی «دیکلوفناک» و سرماخوردگی به او تجویز شده بود.

روحی بار دیگر ساعت ۲۰ همان روز به بهداری زندان مراجعه کرده و اکسیژن‌درمانی شده بود. او را بعد از دریافت ۱۵ دقیقه اکسیژن، به بند بازگردانده بودند.

بر اساس همین گزارش، جواد روحی ساعت سه و۳۰ دقیقه بامداد پنج‌شنبه ۹ شهریور دچار تشنج شده و به بیمارستان «بهشتی» نوشهر منتقل شده بود.

هم‌بندی سابق او اما به «ایران‌وایر» گفت: «جواد از روز سه‌شنبه مریض احوال بود ولی تا روز چهارشنبه حتی اجازه ندادند به بهداری برود. علایم سرماخوردگی داشت اما فقط همان نبود. اصرار کردیم که به بیمارستان اعزام شود ولی قبول نکردند. او را دو بار به بهداری بردند و به بند برگرداندند. بعد هم درهای بند را بستند.»

به گفته این همبندی سابق روحی، جواد حدود ساعت شش صبح به بیمارستان اعزام شد ولی هنوز زنده بود: «وضعش خیلی بد بود اما زنده از در بند بیرون رفت.»

پیش از این نیز گزارش‌های فراوانی از کارشکنی‌های کارکنان سازمان زندان‌ها در اعزام زندانیان بیمار به مراکز درمانی منتشر شده است.

در همین رابطه، «شیوا نظرآهاری»، فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی سابق در مورد اهمال سازمان زندان‌ها در برخورد با زندانیان بیمار **نوشت**: «کسایی که زندان بودند، خوب می‌دانند که اگر نصفه‌شبی حالت بد شود، فقط باید بمیری تا تو را به بهداری و بیمارستان منتقل کنند.»

## تمامی روایت‌های دروغ جمهوری اسلامی

پس از انتشار خبر جان باختن جواد روحی در زندان، دستگاه پروپاگاندای جمهوری اسلامی در قدم اول موضوع ابتلای او به بیماری‌های روحی و روانی را مطرح و سعی کرد در رابطه با چگونگی مرگ او در زندان از خود سلب مسوولیت کند.

خبرگزاری میزان روز ۹ شهریور ۱۴۰۲ در این رابطه **نوشت**: «طبق اعلام بهداری زندان، روحی قبل از بازداشت و ورود به زندان در سال‌های گذشته چند بار سابقه تشنج و بستری در بیمارستان را داشته است.»

یک وکیل دادگستری در رابطه با این اظهارنظر ارگان رسانه‌ای قوه قضاییه جمهوری اسلامی به «ایران‌وایر» گفت: «در قدم اول افشای اسرار پزشکی افراد طبق قانون ممنوع است. طبق ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، برای مرتکبان این جرم، ولو کادر درمان، مجازات در نظر گرفته شده است. حال باید دید آیا خبرگزاری میزان با اجازه قاضی این اسرار را افشا کرده است یا خیر و در صورتی که قاضی چنین دستوری را داده باشد، باید پرسید که چه‌طور برای بررسی مجدد پرونده او، قاضی نبود اما برای افشای اسرار پزشکی یک متهم، حتی پیش از آن که پزشکی قانونی ارتباطی بین جان‌باختن او و برای مثال تشنج کردنش در سال‌ها قبل را تایید کند، یک قاضی به چنین سرعتی ورود کرده است؟»

این وکیل دادگستری هم‌چنین تاکید کرد که در صورت جان باختن جواد روحی بر اثر سوء مصرف دارو نیز سازمان زندان‌ها مسوول و متهم است، چرا که حتی اگر او به دلیل اوردوز دارویی فوت کرده باشد، مطابق مواد ۱۴۰ تا ۱۴۳ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، نباید دارو در اختیار زندانی قرار گیرد؛ به‌ویژه که بنابر مسوولان، این زندانی اختلال روانی داشته و او صرفا باید در بهداری زندان دارو را مصرف می‌کرده

است.

سناریوی ابتلا به بیماری روحی، این معترض زندانی یک مشکل بزرگ دیگر نیز داشت: «اگر او از نظر روحی بیمار بود، چه‌طور مانند یک فرد سالم بازداشت، محاکمه و زندانی شده بود؟»

این وکیل دادگستری به «ایران‌وایر» گفت: «بر اساس ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی، هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده، به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد، مجنون محسوب می‌شود و مسوولیت کیفری ندارد. به ادعای قوه قضاییه نیز جواد روحی از پیش از ارتکاب جرم و بازداشت بیمار بوده و قوه قضاییه به سوابق بیماری او نیز دسترسی داشته است. پس بازداشت، محاکمه و ... او بر خلاف قانون انجام شده است.»

شاید از همین رو بود که رسانه‌های وابسته به جمهوری اسلامی تئوری دوم را **مطرح** کردند: «جواد روحی معتاد و در حال ترک به وسیله متادون بود.»

روزنامه «همشهری» به نقل از خبرگزاری «تسنیم» روز دهم شهریور ۱۴۰۲ با **انتشار** دو تصویر ناخوانا ادعا کرد جواد روحی حدود ۱۴ ماه پیش از بازداشت به دلیل مصرف شیشه و کراک و زخم در اندام، در بیمارستان ۱۷ شهریور آمل بستری بوده است.

دستگاه پروپاگاندای نظام اما پاسخ نمی‌دهد که چه‌طور فردی تقریبا دو سال بعد از ترک مواد مخدر، در حالی که در حال ترک اعتیاد و حتی کاهش مصرف متادون بوده است، به ناگهان تشنج می‌کند و اساسا ارتباط اعتیاد و متادون با تشنج ناگهانی در چیست؛ به‌ویژه که رییس بیمارستان «۱۷ شهریور» آمل در مصاحبه‌ای با خبرگزاری «ایرنا»، ضمن تایید بستری بودن جواد روحی، **تاکید** دارد که او به مدت هشت روز در آن بیمارستان بستری بوده و باحال عمومی خوب ترخیص شده است.

مساله دیگر، عدم برخورداری جواد روحی از عفو و ادامه بازداشت او به رغم نقض حکم اعدام توسط دیوان عالی است.

به **ادعای** خبرگزاری میزان، جواد روحی به این دلیل از عفو معیاری بهمن ماه سال گذشته برخوردار نشد که از جمله شرایط آن عفو، نداشتن جرایم مستوجب محاربه، فساد فی‌الارض و احتراق عمده امکان دولتی بود که تمامی آن‌ها، از جمله اتهامات این معترض زندانی بودند.

این در حالی است که حکم صادره توسط دادگاه انقلاب نوشهر بر اساس آن کیفرخواست نقض شده بود.

(آتش زدن دیوار ساختمان نیروی انتظامی)، مشمول عفو واقع و آزاد شدند.

یک وکیل دادگستری در همین رابطه به «ایران‌وایر» گفت: «طبیعی است که با توجه به روند غیر قابل اعتماد سیستم قضایی، تا زمانی که پزشک معتمد تایید نکند که جواد روحی چه‌طور و چرا جان خود را از دست داده است، افکار عمومی انگشت اتهام را به سوی نظام بگیرند.»

## ثبت نظر

**ورود** یا **ثبت نام** برای پیوستن به بحث

## آخرین اخبار

گزارش

اختصاصی؛ جلسه وزارت اطلاعات با فدراسیون‌ها، استخدام ورزشکاران برای سرکوب

گزارش

روزگار جانکاه زندانیانی که از اوین به قزل‌حصار تبعید شدند

گزارش

ورزش پس از مهسا؛ از الناز رکابی بودن تا بازیکن حکومتی شدن

گزارش

وضعیت وخیم معصومه یاوری در زندان دولت‌آباد؛ شکنجه با ندادن دارو

با ایران‌وایر همکاری کنید

ویدیوها و مطالب خود را برای ما بفرستید

اطلاعات بیشتر ←

## انتخاب سردبیر

**وحید یامین‌پور؛ جانشین اسماعیل احمدی از سوی نهادهای امنیتی در وزارت ورزش**

**آدم‌ربایی، ضرب‌وشتم و تعهدنامه؛ سالگرد مهسا و روش‌های جدید سرکوب**

**کامران قادری: بعد از ۷ سال و نیم، نمی‌دانم چرا دستگیر شدم**

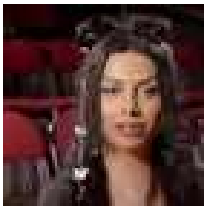

**زینت پیرزاده، کمدین ایرانی ساکن سوئد: طنز سلاحی علیه دیکتاتور است**

## مقالات مرتبط

گزارش

لباس شخصی‌ها به روی ما کلت کشیدند؛ گزارش یک آدم‌ربایی

گزارش

بدرقه سیاسی ورزشکاران؛ مردان برای حکومت تبلیغ کنند، زنان باحجاب باشند

گزارش

معدر آق‌در

+ بیشتر

## برای شما

گزارش

اختصاصی؛ جلسه وزارت اطلاعات با فدراسیون‌ها، استخدام ورزشکاران برای سرکوب

گزارش

روزگار جانکاه زندانیانی که از اوین به قزل‌حصار تبعید شدند

گزارش

ورزش
بازیک

بیشتر +

اخبار

# افشاگری یک زندانی سیاسی در مورد وضعیت غیرانسانی قزلحصار

۱۶ شهریور ۱۴۰۲

خواندن در ۱ دقیقه

ادامه به مقاله بعدی